

شك می‌کنم به آدمك یا «حراست که فقط به ما کار نداره، به همه کار داره»

برای «شجاعت» کمیاب این روزها

1- می‌دانید، از سر و روی زمانه‌ی ما، «حقارت» می‌بارد. بی‌تعارف‌تر و با اندکی بی-ملاحظگی، خودمان هم، کم، «حقیر» نیستیم. هگل معتقد بود «انسان از آن جهت که می‌داند حیوان است، حیوان نیست». رمز دریافت حقارت این دوران، به انتها رسیدن درك ما از این واقعیت (پذیرش ناگزیر آن و در عین حال فراموش کردن عامدانه آن) است و بدینگونه در چنبره‌ی حس - غریزه، از فراهم نمودن مناسبات انسانی عاجزیم.

2- «حقارت» شاخ و دم ندارد.

3- وزیر علوم در نخستین اظهارنظر رسمی در ماجرای دانشگاه زنجان بیان داشته است: «هنوز اتهام مطرح شده ثابت نشده است». بسیار عالی، درست هم می‌فرمایند، باید آقای مددی نیز، نظیر سردار زارعی برون دادگاه و محاکمه شوند. ضمن آنکه، اصلاً مگر مهم است که ثابت بشود یا نشود؟ (باز هم مثل قضیه سردار زارعی که تا حالا ثابت نشده و در آینده هم نخواهد شد) خواندن این بادِ هواها، چندان لج آدم را در نمی‌آورد. وقتی، آدم از همه چیز شاکمی می‌شود و چند تا «کلفت» نثار زمانه می‌کند که می-شنود: «همان طور که گفتم فیلمبرداری از این موضوع کاری غیر شرعی و خلاف اخلاق بوده، ضمن آنکه آنچه در فیلم نشان داده شد، فقط دختری بود که به دفتر مراجعه کرده و در آنجا روسری به سر نداشت، اما اینکه متاسفانه عده‌یی بخواهند با اهداف سیاسی از این تصاویر سوء استفاده کنند کاری غیرصحیح است».

اینکه در این مملکت اخلاق و شرع این همه متولی دارد، چندان عجیب نیست. همین شبهای چهارشنبه سوری در همین دانشگاه خودمان، برادران دانشجوی متعهدمان را به خاطر بیاورید... ایشان که دیگر وزیرند و جای خود دارند. اما آدم واقعاً تعجب می‌کند در این وزارتخانه يك نفر نیست ایشان را توجیه کند که با زدن چنین حرفهایی، در آفساید سه چهارمتری عقل متعارف مردم، نم‌اند. آخر برادر، اولاً همین حالا که فیلم موجود است، دیوار حاشا بلند است، ثانیاً اگر قرار بود این فیلم «همه چیز» را نشان دهد که آنوقت سردار رادان و همکارانشان در طرح «ارتقای امنیت اجتماعی» باید «همه‌ی کار و

زندگیشان» را رها می کردند و می آمدند تلفن های همراه ملت را می بردند، تویخ می کردند... آقای وزیر، همین «فقط» هم «خیلی»ست. قبول بفرمائید. اما این جملهی آخر سخنان ایشان، دیگر نظیر ضربه زدن به توپ پس از شنیدن سوت داور و دیدن پرچم کمک داور و حالت ریلکس دروازه بان و آه هواداران پشت دروازه حریف و... است: «اینکه متاسفانه عده‌یی بخواهند با اهداف سیاسی از این تصاویر سوء استفاده کنند کاری غیرصحیح است».

باور کنید ایشان رسماً ما را «گرفته»اند. آقای محترم، کدام اهداف سیاسی؟ اصلاً کدام سوءاستفاده؟ اینکه دانشجو خواستار برکناری مسئول متخلف، تعویق يك هفته‌ای امتحانات و عدم برخورد انضباطی با دانشجویان متحصن شود، سوءاستفاده سیاسی است، اما اینکه جنابعالی با اعتماد به نفسی اعصاب خردکن و تحت لوای کلمه‌ی روسپی «سوءاستفاده سیاسی»، زمین و آسمان را به هم ربط و پیوند دهی، «سوء استفاده سیاسی» نیست؟ اگر کسی به شما تذکر دهد که این معضل به خاطر «ضعیف، ناعادلانه و غیر حقوقی» بودن «آیین نامه کمیته انضباطی که حق دفاع را از دانشجویان متهم شده سلب می‌کند و منجر به افزایش قدرت معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه به شکلی غیر اصولی می‌شود»، است، «سوءاستفاده سیاسی» نموده یا اینکه مدیران شما در دانشگاه‌ها به همراه تشکلهای موافقتان، با کسب قدرت سیاسی، در شخصی‌ترین حوزه‌های فردی زندگی دانشجویان به بهانه‌ی غیرت دینی و ایجاد امنیت اجتماعی، دخالت کنند و با کوچکترین اعتراضی، برگه‌ی تعلیق را سیلی کنند بر صورت دانشجو؟

آقای وزیر، بنا به فرموده‌ی حضرت علی که «مرگ از غم ربودن خلخال از پای زن یهودی» را حق می‌دانست، اگر شما و رؤیستان در هیات دولت، از اندوه این حادثه می‌مردید، نگارنده می‌توانست خودش را قانع کند که نه، آقایان مدعی اصولگرایی و عدالت محوری و مهرورزی، از اعتقادات مذهبی مردم، «سوءاستفاده» نکرده‌اند، اما خوب متاسفانه/خوشبختانه، شما هنوز زنده‌اید و البته هنوز خبری از آقای رئیس جمهور نیست، هر چند یکی از دوستان اشاره می‌کرد که من ایشان را خودم در تلویزیون دیدم، شاداب و قبراق، داشتند از «قرار گرفتن ایران در بین قطبهای دنیا» سخن می‌گفتند. اشاره کردم که این سخنرانی مدتها پیش ایراد شده و بعید است ایشان با وضعیت فعلی از این صحبتها بکنند. راستی، شما از سلامت ایشان خبری ندارید؟

4- قضیه عباس پالیزدار را شنیده‌اید؟ آقای یکسری ادعا داشته‌اند در خصوص مفاسد اقتصادی یکسری از روحانیون و شخصیت‌های سیاسی مشهور. جالب آنکه معلوم نیست

این بنده خدا، چه نسبتی با دولت، مجلس و اصولگرایان داشته و دارد، (حامیان دولت از وابستگی وی به مرکز پژوهش های مجلس به ریاست احمد توکلی سخن می گویند، سایت تابناک از عضویت وی در ستاد انتخاباتی «رایحه خوش خدمت» خبر می دهد و...)، فقط آنچه مشخصاً به یاد داریم این است که ایشان همین ماه پیش در دانشگاه صنعتی اصفهان به دعوت بسیج سخنرانی داشته اند. اما بعد از انعکاس گسترده سخنرانی وی در همدان، به يك باره مجلس و دولت اعلام کردند هیچ ارتباطی با وی ندارند و از آن طرف روزنامه ی کیهان در ادامه ردیابی های ویژه خویش و به نقل از منابع موثق از «طراحی این پروژه عملیات روانی در یکی از محافل افراطیون مدعی اصلاحات» خبر داد و دلیل آن را نیز این دانست که پالیزدار در سخنان خود از «افراد معلوم الحال وابسته به افراطیون ساختار-شکن» نام برده است. از آنطرف بلافاصله اسناد اختلاسهای پالیزدار، برملا و نامبرده دستگیر شد.

ذکر این قضیه از آن جهت بود که به قرابت های روشی آقایان در برخورد با گاف های دوستانشان توجه نمائید. نگارنده بر این گمان است که وزیر علوم یکی از خوانندگان پیگیر صفحه 2 کیهان است و با تاسی از متدهای کیهان (فرافکنی، تهمت زنی و دشمن تراشی) خودش را خوب به «کوچه علی چپ» می زند. مانند بحث دانشجویان ستاره دار که آنها را مشتکی ارادل و اوباش خواند. یا همین قضیه دانشگاه زنجان که میان این موضوع جدی، به جای آنکه جوابگوی ضعف سیستم کمیته های انضباطی و عملکرد مدیران انتصابی اش باشد، دلواپس «سوءاستفاده سیاسی» عده ای ست.

5- زمانی، سید محمد خاتمی در خارج از کشور، به طور ضمنی، اظهار داشته بود: «در ایران زندانی سیاسی نداریم». محمد قوچانی، سردبیر وقت روزنامه شرق در سرمقاله ای با عنوان «در ستایش سکوت» با انتقاد از گفته ی رئیس جمهور، ابراز داشت: اگر به علت بعضی فشارها نمی توانید واقعیتها را بیان کنید، بهتر است سکوت کنید، ولی اینگونه واقعیت را واژگون جلوه ندهید. (نقل به مضمون)

وقتی سخنان رنگارنگ توجیه گر فسادهای موجود در این سیستم را می شنوی، دلت می-خواهد کاش طرف حسابت همان «سید محجوب» می بود که لااقل می شد با دعوتش به سکوت، امیدوار باشی به تحقیر دوباره نشدن.

6- از سر و روی زمانه ی ما، «حقارت» می بارد... عده ای از ما پذیرفته ایم که «انسان، تنها حیوان است» (مثل آنها که از کنار قضیه می گذرند و همه ی پیگیریشان، در شتاب برای دیدن فیلم ماجرا و... خلاصه می شود)، عده ای دیگر تلاش می کنیم باور کنیم و باور کنیم که «ما از آن جهت که می دانیم انسانیم، حیوان نیستیم» و «مخالفین ما از آن جهت که

ما می‌دانیم حیوانند، انسان نیستند» (نظیر همه‌ی آن مسئولانی که برای چند روز منفعت خودشان، حاضرند احتمال سر زدن يك رفتار حیوانی از يك مسئول دیگر را نادیده بگیرند و با استدلالات ملال‌آور و با دست کم گرفتن دیگران، آنها را نفهم فرض کنند. آنها را تحقیر کنند)... ما، کم، «حقیر» نیستیم.

پانوشت:

راقم این سطور با مشاهده فیلم، حس ترحم انگیزانه‌ای نسبت به متهم ماجرا پیدا کرد. گیجی و گنگی در رفتارش و بریدگی کلام به سبب جاخوردگی‌اش آزاردهنده است. کلافگی می‌بارد از صورتش... نه، نمی‌خواهم بگویم «او مجرم نیست، بیمار است». اگر بخواهیم هگلی بیان کنیم باید بگوئیم: همه‌ی انسانها به میزانی حیوانند و باید پذیرفت که همه‌ی ما به میزانی دست به اعمال حیوانی می‌زنیم، ولی این شاید بدشانسی (شاید هم تقدیر) وی بوده باشد که اینگونه حیوانمندیش در دسترس دید همگان قرار گرفته است؛ امری که برای هر کدام از ما عواقب وخیمی دارد. دوستی ضمن یادآوری قضیه‌ای در همین دانشگاه، اشاره می‌کرد که «از هر دست بدهی، از همان دست پس می‌گیری». به هر صورت نگارنده طبق يك دستورالعمل نسبتاً صریح دینی که امانوئل کانت هم در فلسفه اخلاقش بدان اشاره دارد (هر چه بر خود می‌پسندی بر دیگران نیز بیسند و هر چه بر خود نمی‌پسندی، بر دیگران نیز می‌پسند)، معتقد است می‌توان لفظ «غیر اخلاقی» را برای این عمل به کار برد.

فرزاد نعمتی

1387/3/31